

تئولوژی و تاریخ

نویسنده: بیژن عبدالکریمی



نقد فرهنگ

سرشناسه	:	عبدالکریمی، بیژن، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور	:	تئولوژی و تاریخ نویسنده: بیژن عبدالکریمی
مشخصات نشر	:	تهران، نقد فرهنگ، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری	:	۲ ج -
فروست	:	تفکر معاصر ایران: ۴.
شابک	:	شابک دوره ۱- ۹۴۸۹۸-۳-۹۷۸-۶۰۰- شابک ج ۲: ۹۴۸۹۸-۳-۹۷۸-۶۰۰
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
یادداشت	:	نمایه
موضوعات	:	ج. ۱: تئولوژی، عقلانیت و علوم انسانی جدید؛ ج. ۲: تئولوژی و تاریخ.
موضوع	:	الهیات، تاریخ
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۴ پ ۲ ع ۲۱۷/۸ BP
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۴۲
شماره ثبت کتاب ملی	:	۳۳۵۹۵۱۲



نقد فرهنگ

شناسی: پردیس، میدان عدالت، خ فروردین، ج. ۱، بلوک A2، واحد ۲۰۳

تلفن: ۷۶۲۷۶۷۴۸ مرکز نشر: ۶۶۴۶۰۰۹۹، ۶۶۹۶۷۰۰۷، ۶۶۴۸۶۵۳۵

نام کتاب: تئولوژی و تاریخ

نویسنده: بیژن عبدالکریمی

نوبت چاپ: اول

سال انتشار:

شابک: ۹۴۸۹۸-۳-۹۷۸-۶۰۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۷۰۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات نقد فرهنگ است.

فهرست مطالب

۱۰	مقدمه
۱۴	ما و هرمنوتیک
۱۸	هرمنوتیک متن
۷۱	اندیشه آخرالزمانی
۷۷	تأملی بر تاریخ‌سازی‌های تئولوژیک
۱۰۶	گفت‌وگویی میان دو سنت فلسفی: حلیلی و آزارهای
۳۱۴	ضرورت مواجهه پدیدارشناسانه با تاریخ و غرض
۳۵۳	مواجهه‌های اصیل و غیراصیل با تاریخ و سند‌های تاریخ
۳۵۹	مواجهه با جهانی دیگر: روشنفکری و ماهیت آن در تاریخ معاصر ایران
	کدام تئولوژی؟ کدام تاریخ؟ نقدی بر مقاله «تأملی بر تاریخ‌سازی‌های
۳۸۶	تئولوژیک»
۴۱۷	منابع
۴۱۸	نمایه

مقدمه

مقدمه جلد نخست این کتاب دیباچه جلد دوم آن نیز می‌باشد. همان‌گونه که در مقدمه جلد نخست این مجموعه گفته شد، جلد دوم مجموعه پایانتئولوژی، با عنوان فرعی تئولوژی و تاریخ، به مقالاتی منحصر گردیده است که به بررسی انتقادی، ویژه مواجهه رویکردهای تئولوژیک به تاریخ، می‌پردازد، رویکردی که سبب محروم شدن ما از تاریخ به منزله یکی از منابع اصیل معرفتی گردیده است.

از آنجا که یکی از مقالات طولانی این مجموعه با عنوان «گفت‌وگویی میان دو سنت فلسفی تحلیلی و قاره‌ای (پانزدهم) مقاله «کدام تئولوژی؟ کدام تاریخ؟» در پاسخ به مقاله انتقادی همکار محترم دکتر میرسعید موسوی، استادیار فلسفه در دانشگاه مفید قم، می‌باشد، لذا اصل مقاله ایشان که نقدیبریکی از مقالات این مجموعه با عنوان «تأملیبر تاریخ‌سازان هایتئولوژیک» بوده است، بدون هیچ کم‌وکاستی در قسمت ضمیمه قرار گرفته است تا مضامین آن مورد مطالعه و داوری خود خوانندگان قرار گیرد.

در پایان مجدداً یادآوری می‌کنم اعلام «پایان تئولوژی» به معنای ضدیت با سنت تاریخی و پشت کردن بدان نیست، بلکه اعلام این حقیقت است که «تئولوژی» همچون حائل و مانعی میان «روح سنت» و «تفکر» قرار گرفته است. آنچه مسیر تفکر مستتر در این کتاب را از اندیشه‌های دیگر

سنت‌گرایان — در معنای عام کلمه — جدا می‌سازد تکیه بر این باور است که برخلاف تلاش‌های بسیار لیک کم‌ثمر، بی‌ثمر و حتی در بیشتر مواقع با نتایجی کاملاً معکوس آمال و آرزوهای سنت‌گرایان، دفاع سستی از سنت در روزگار ما دیگر امکان‌پذیر نیست و به‌هیچ‌وجه نمی‌توان از سنت در همان افق تاریخی عقلانیت گذشته به دفاع پرداخت. سنت احیا ناشده نه سنت بلکه صرفاً جسد مرده و بی‌روح آن است. سنت‌گرایان دیار ما — اگر نتوانیم بگویم همه لیک اکثر قریب به اتفاق آنان — سنت را در افق گذشته درک می‌کنند. لیکن این اثر خواهان دعوت به فهم سنت در افق «تفکر آینده» است. بی‌آنکه بتواند آن صورت عصری بخشیدن به بصیرت‌های بنیادین مستتر در سنت می‌تواند تاریخی پیشین و تحت سیطره عقلانیت جدید قرار دادن روح و حقیقت آن بن باشد. سنت‌گرایان عموماً معنای سنت در روزگار ما را امری متعین و قسم به نسام‌های تئولوژیک تحقیق‌یافته تاریخی خود پنداشته، خودبنیادانه چشم‌نظر تریست زمانه، تاریخ و تفکر آینده بشری از اندیشه‌های نهادینه شده تاریخی شان از آن، این کتاب دعوتی است برای گشودگی تفکر به امری احاطه‌کننده و چیره‌ناپذیر و سپردن وجود به سرریان جریان رود هستی در جان‌هایمان و خویش شدن، استقامت الامر این جریان قرار دادن بی‌آن‌که متوهمانه در صدد تحت‌الامر غریب سرار دادن آن باشیم. سنت‌گرایان ما هنوز اسیر اراده‌های خودبنیاد خویش در ره‌رو به عزمی راسخ و راستین دست نیافته‌اند تا بتوانند از اراده‌های بی‌تفکر خویش درگذرند و در اراده‌ای جاودان سکنی گزینند و ذات خویش را در حقیقتی ابدی و ابدی‌تر از چارچوب‌ها و نظام‌های خودبافته بشری جست‌وجو کرده، در این تجربه آزادی، اصالت و اثرگذاری تاریخی را در نهایی‌ترین حد ممکن تجربه کنند. پیام مستتر در این سیاه‌مشق دعوتی است برای جست‌وجوی ذات خویش در نفس هستی احاطه‌کننده و تأکید بر این امر که تمام جریان تفکر یعنی

برقراری نسبت با نفس هستی. هستی در تفکر اصیل به سخن درمی آید. در همین نداد است که تفکر را در مقام تفکر قرار می‌دهد. هیچ قدرتی نمی‌تواند بر این ندا چیره شود یا آن را تابع و تحت فرمان خویش قرار دهد یا مسیری را که این ندا برای بشر تعیین می‌کند از پیش متعین سازد. چیزی هست که در ذات تفکر خود را آشکار ساخته، با ما سخن می‌گوید. پاسداشتاین ندای روشمایی بخشی که روشنایی افق حرکت و زندگی مان بسته بدان خواهد بود. و نه دعوت به خویش، خودبنیادی، خودارجاعی و پاسداری از باورهای نهادینه شده تا سخن خویش — یگانه راه نجات ماست. جانشین ساختن هر چیزی، از جمله سولوژی، به جای حقیقت و تفکر به معنای پشت کردن و ناشنوایی به نادان است که روزگار و سرزمین ما بیش از هر دوره دیگری به گشودگی بدان نیازمند است.

بیژن عبدالکریمی